

بررسی تاثیرات انقلاب اسلامی بر تحولات سیاسی اجتماعی عراق در دوران حاکمیت حزب بعث

فرشته سادات اتفاق فر^۱

حسن چگنی^۲

چکیده

پژوهش حاضر با عنوان «بررسی تاثیرات انقلاب اسلامی بر تحولات سیاسی اجتماعی عراق زمان حکومت حزب بعث» کوششی است پیرامون بازتاب‌های انقلاب اسلامی از ابتدای حاکمیت حزب بعث تا پایان حکومت صدام، که در حد بضاعت پژوهشگران بدان پرداخته شده است. در این پژوهش از منابع متعدد کتابخانه‌ای و مصاحبه بهره جسته شده است. بنابر این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه گردآوری اطلاعات، توصیفی است. بر این اساس سوال اصلی تحقیق چنین نگارش یافته است: «انقلاب اسلامی ایران چه تاثیراتی بر تحولات سیاسی اجتماعی کشور عراق در دوران حزب بعث داشته است؟» با توجه به تحلیلی که در اطلاعات بدست آمده صورت گرفته می‌توان چنین نتیجه گرفت که انقلاب اسلامی ایران تاثیرات مهمی بر تحولات سیاسی و اجتماعی عراق دوران حزب بعث داشته است که از آن جمله می‌توان به گرایش به نظام مبتنی بر ولایت فقیه، توجه به اسلام سیاسی در میان مسلمانان عراق، تاسیس احزاب جدید اسلام‌گرا و بازسازی احزاب اسلام‌گرای قبلی مبتنی بر آرمان‌های انقلاب اسلامی، تحولات روحی - روانی مردم عراق، تحکیم هویت شیعی، گرایش شیعیان عراق به روحانیت در موضوعات اجتماعی و فرهنگی، ایجاد وحدت و دوری از اختلاف و تفرقه، گرایش به جهاد و شهادت و افزایش اقبال عمومی به مراکز مذهبی اشاره نمود.

واژه‌های کلیدی: انقلاب اسلامی ایران، حزب بعث عراق، تاثیرات، تحولات سیاسی اجتماعی، شیعیان عراق، ولایت فقیه، هویت شیعی، آرمان‌های انقلاب.

^۱. دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، fereshtehetefagh@yahoo.com، ۰۹۱۲۱۹۷۰۵۶۱.

^۲. دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی دانش و کارشناس ارشد جامعه‌شناسی انقلاب، chegeni@gmail.com، ۰۹۱۲۷۴۸۳۲۴۰.

۱. مقدمه

بی تردید وقوع انقلاب اسلامی ایران در پایان قرن بیستم یکی از رویدادهای مهم جهان است که علاوه بر تاثیرات داخلی و تغییر و تحول در ساختار کشور، در ابعاد خارجی نیز آثار گسترده‌ای داشته است. تاثیرات بین‌المللی انقلاب اسلامی به اندازه‌ای است که هیچ اندیشمندی نمی‌تواند آن را انکار کند و به سادگی از کنار آن بگذرد. دامنه این تاثیرات آن چنان فراگیر است که جای جای دنیا و کشورهای مختلف از کشورهای همسایه و آسیای جنوب شرقی گرفته تا آفریقا و آمریکای لاتین را دربر می‌گیرد. این تاثیرات از ابتدای انقلاب (حتی قبل از آن) تا کنون وجود داشته و در ابعاد مختلف همچنان شاهد دستاوردهای بزرگ این انقلاب در اطراف و اکناف جهان هستیم.

از سویی، فرای این تاثیرگذاری، انقلاب اسلامی عرصه نظام بین‌الملل و قواعد و روابط حاکم بر آن را نیز دستخوش تحول قرار داد و اصول و روابط حاکم بر آن را به چالش کشید و نگاه و اندیشه‌ای الهی و معنوی را در میان عرصه مطرح کرد. تاثیرات انکارناپذیری که در سخنان مارگارت تاچر نخست‌وزیر وقت انگلستان کاملاً قابل مشاهده است:

«ما غربی‌ها در دهه ۱۹۸۰ از وسایل نظامی و ابزار جنگی شوروی و اقمارش واهمه نداریم، زیرا اگر بلوک شرق و اعضای پیمان ورشو مجهز به سلاح‌های نظامی بوده و به ادوات مخرب و ویرانگر مسلح می‌باشند، ما نیز به سلاح‌های مدرن و پیشرفته مسلح و مجهز هستیم، اما از حضور فرهنگ اسلامی انقلاب ایران می‌ترسیم» (روزنامه پیام انقلاب، ۱۳۵۹/۱۱/۲۷)

در این میان برخی کشورها به دلیل وجود برخی زمینه‌ها، شرایط تاثیرپذیری بیشتری را دارا بودند. از طرفی چنانچه در تقارن یا توالی انقلاب اسلامی ایران، حرکت سیاسی اسلامی مشابهی اتفاق افتاده باشد، می‌توان فرضیه تاثیرپذیری آن کشور از انقلاب اسلامی را با قوت بیشتری بیان و اثبات کرد. برای نمونه هم زمان با

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، مردم عراق علی‌الخصوص شیعیان به صورت توده‌ای یا تشکیلاتی هیجانات و واکنش‌های وسیعی، مشابه مردم ایران نشان دادند که می‌توانست ناشی از تأثیر انقلاب اسلامی باشد. با بررسی وضعیت کشورهای منطقه در خواهیم یافت که کشور عراق به دلایل عمده همجواری جغرافیایی و نزدیکی فرهنگی می‌تواند بیشترین تأثیرپذیری را از انقلاب اسلامی داشته باشد. عراق به عنوان یک کشور مهم عربی با اکثریت شیعی و قدرت نفتی، کانال مناسبی برای حضور و صدور انقلاب اسلامی در جهان عرب بود. چنانچه تحولات انقلاب اسلامی ایران، عراق را متأثر سازد، رنگ عجمی و دافعه آن، در بین اعراب کم شده و از طریق این کشور، انقلاب اسلامی توانایی آن را می‌یابد که به سراسر ممالک عربی گسترش یابد. از طرف دیگر مسلمانان و شیعیان عراق از دیر باز، با حکومت آن کشور به خصوص بعثیون درگیر بودند و شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی باعث تشدید این زمینه شد و آن را نهادینه‌تر کرد.

در این مقاله برآنیم تا با استفاده از اسناد موجود تأثیرات سیاسی اجتماعی انقلاب بر این کشور در دوران حکومت حزب بعث را بررسی نماییم.

۲. تأثیرات انقلاب اسلامی بر تحولات سیاسی اجتماعی عراق

۲-۱. تأثیرات سیاسی

۱-۱-۲. پذیرش نظام ولایت فقیه

نجف اشرف و حوزه علمیه آن در دور جدید حیات سیاسی در نزدیک به دو‌یست سال اخیر، و پس از غلبه اجتهادیون بر اخباریون، کانون و سرچشمه بسیاری از جنبش‌های دینی و ملی شیعی بوده است. بررسی مجموعه تحولات سیاسی که در قلمرو شیعی رخ داده است حاکی از این حضور پر رنگ است. نجف به عنوان پرتداوم‌ترین کانون تفکر فقهی و علمی شیعی، نقش بسیار مهم و بسزایی در تحولات دو قرن اخیر داشته است. گفتمان خردگرایی و عقل محوری که با پیشسازی علامه بهبهانی صاحب جواهر در حوزه نجف به تثبیت و تفوق رسید، سرچشمه هدایت و رهبری تحولات عمده جامعه شیعی در وقایع گوناگون بود. بعد از پایان تلخ مشروطه، فوت مشکوک آخوند و پشیمانی نائینی و تبعید علمای دخیل در ثوره العشرین تا انتفاضه شعبانیه، حرکت و خیزش

مهمی در مکتب نجف واقع نمی‌شود؛ اما در طول این فاصله عراق و مکتب نجف با حضور اندیشمندان بزرگی نظیر آیت‌الله حکیم و آیت‌الله خوئی، شخصیت اندیشمند و ذوابعاد آیت‌الله علامه صدر را پرورش داد. (حسینی -

حائری، ۱۳۷۵: ۱۰۸)

حضور بیش از یک دهه امام خمینی؛ در نجف و مطرح نمودن بحث‌های ولایت فقیه تاثیر بسیار زیادی بر شکل‌گیری دیدگاه این اندیشمندان شیعی در عراق داشته است. هر چند که دیدگاه‌های این اندیشمندان ممکن است با توجه به شرایط اجتماعی عراق با اندکی تفاوت در اجرا هم همراه باشد اما نمی‌توان از این موضوع غافل شد که اندیشه‌های سیاسی و دیدگاه‌های حکومتی این بزرگان نه تنها مبتنی بر اندیشه سیاسی امام بوده بلکه تفکرات و دیدگاه‌های این عالمان شیعی پشتوانه‌ای قوی و تئوریک برای نظام جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آیند. به عبارت دیگر باید گفت علاوه بر اینکه حضرت امام شاگردانی در ایران پرورش داده بود تا موضوع اسلام سیاسی را مورد کنکاش و بررسی قرار دهند در خارج از ایران نیز شاگردانی را پرورش دادند که پس از شکل‌گیری انقلاب اسلامی در ایران به این نظام نوپا برای ایجاد ساختارهای حقوقی و اجرایی کمک کنند.

با نگاهی به دیدگاه‌های مطرح در میان گروه‌های اسلامی عراق می‌توان به این نتیجه رسید که پیرامون نظریه ولایت فقیه نگاه و دیدگاه کاملاً یکسانی وجود ندارد و همانگونه که گفته شد تفاوت‌های جزئی در شیوه نگاه به تشکیل حکومت در بین این گروه‌ها وجود دارد. به عنوان مثال آیت‌الله حکیم، رهبری مجلس اعلای عراق، ایده ولایت فقیه را با همان ویژگی‌های مطرح شده توسط امام پذیرفته بود، اما آیت‌الله محمدباقر صدر در بیان ویژگی‌های این نوع حکومت اسلامی اصولی را مطرح می‌کند که تفاوت‌های بسیار جزئی با نظام حکومتی از منظر امام دارد. وی در سال ۱۹۷۹ در کتاب نظام سیاسی اسلام چهار اصل را برای یک جمهوری اسلامی فهرست‌وار مطرح کرده بود:

۱. حاکمیت مطلق متعلق به خداوند است؛

۲. احکام اسلامی اساس قانون‌گذاری را تشکیل می‌دهد. مراجع قانون‌گذار می‌توانند هر قانونی را که با اسلام

تضادی نداشته باشد، به اجرا درآورند؛

۳. مردم به عنوان خلفای خداوند، از قدرت اجرایی و قانون‌گذاری برخوردارند؛ و

۴. هر قاضی که دارای اعتبار مذهبی باشد، نماینده اسلام است. او با تأیید فعالیت‌های اجرایی و قانون‌گذاری به آنها مشروعیت می‌بخشد.

به نظر وی، روحانیت به مثابه مفسر و داور این قوانین عمل می‌کند. او سه شاخه مقننه، مجریه و قضاییه برای دولت مشخص می‌کند که رؤسای قوای مقننه و مجریه از سوی مردم انتخاب می‌شوند، ولی وی نحوه انتخاب رییس قوه قضاییه و نیز چگونگی و کیفیت رابطه قوای مقننه و مجریه را مشخص نمی‌کند. در این رابطه باید به شرایط متفاوت ایران و عراق اشاره داشت که امام خمینی؛ وقتی به عنوان رهبر اپوزیسیون رژیم حاکم مطرح بود، نظریه ولایت فقیه را ارایه کرد ولی صدر در کشوری که به لحاظ مذهبی مختلط بود، درصدد حل مسئله دولت غیرقانونی و غیرمشروع برآمد. (ویلی، ۱۳۷۳: ۱۹۴-۱۹۸)

۲-۱-۲. توجه به اسلام سیاسی در میان مسلمانان عراق

انقلاب اسلامی ایران با هدف تاسیس نظام برخاسته از اسلام و اجرای اصول اسلامی در تشکیل حکومت و نفی ساختار و اصول حاکم بر نظام‌های غربی پا به عرصه جهان گذاشت. این انقلاب جدایی دین از سیاست را رد کرد و به دنبال احیای دین و اصول اخلاقی در عرصه اجتماع، سیاست و حکومت برآمد. همچنین، انقلاب اسلامی ضمن احیای ارزش‌های اسلامی، تفکر اسلام سیاسی را در سراسر جهان و به ویژه در کشورهای اسلامی و شیعی احیا کرد به طوری که برخی اندیشمندان مسلمان از جمله احمد هوبر به این موضوع چنین اشاره نموده است: «امام خمینی با طرح ابعاد واقعی اسلام، مسلمانان را سیاسی کرده و اندیشه و تفکر سیاسی را در میان مسلمانان ایجاد و بسط داده است.» (هوبر، ۱۳۷۰: ۷۶)

بر اساس این نگاه جدید به اسلام که با پیروزی در عرصه عمل نیز همراه شده بود، شیعیان و به ویژه جوانان شیعی عراق با جوش و خروش به سوی رهبری با ویژگی‌های موجود در رهبر انقلاب اسلامی ایران سوق پیدا کردند تا آنها را به سوی هدفشان که ایجاد حکومت اسلامی بود؛ گسیل بدارد. لذا گروه گروه از مسلمانان به

نجف می‌رفتند و ضمن در اختیار قرار دادن همه امکانات خود به آیت‌الله سید محمدباقر صدر برای انجام هرکاری اعلام آمادگی می‌کردند.

آیت‌الله صدر به عنوان رهبر شیعیان عراق در نظر داشت رژیم بعث را سرنگون و حکومت اسلامی را به شیوه حکومت ایران، یعنی جمهوری اسلامی بر پایه ولایت فقیه بنیان گذارد که رژیم بعث با آگاهی از این مقصود، وی را در منزلش تحت نظر قرار داد. این در حالی بود که طرفداران ایشان در سال ۱۹۷۹م انتفاضه «رجب» را ترتیب دادند و جمعیت زیادی از شهرهای مختلف عراق برای اعلان قبول مرجعیت و رهبری ایشان رهسپار نجف شدند. در تظاهرات رجب، بخش عظیمی از استادان دانشگاه، دانشجویان، کارگران و کشاورزان شرکت کردند و در شهرهای کربلا، کوفه و مدینه الثوره نیز تظاهراتی رخ داد. آیت‌الله صدر از اقامتگاه خود در نجف فتوایی صادر کرد و مبارزه بر ضد حزب بعث را واجب شمرد. (سیف‌زاده، ۱۳۷۵: ۲۲۸)

در واقع این گرایش به اسلام سیاسی، مردم عراق را به جمع شدن بر گرد عالمی اسلام شناس و واقف به شرایط زمان خود ترغیب کرده بود. آیت‌الله صدر در عراق نقشی را برعهده گرفت که امام خمینی؛ در ایران عهده دار بود و از سویی سال‌ها ارتباط این دو روحانی عالی مقام شیعه و دیدگاه‌های مشترکشان، خود زمینه مناسبی برای ادامه روند صورت گرفته در انقلاب اسلامی ایران و پیروی از آن بود. در این شرایط بود که رژیم بعث با شدت گرفتن مبارزات مردمی در آوریل ۱۹۸۰م به این مبارزات واکنش شدید نشان داد و رهبر انتفاضه عراق؛ آیت‌الله صدر و خواهرش بنت‌الهدی را دستگیر و سپس اعدام نمود و بسیاری از شیعیان را از کشور اخراج نمود. (همان)

۳-۱-۲. استفاده از تاکتیک‌های مبارزاتی انقلابیون ایران در فرایند مبارزه با حکومت بعث

از تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر حرکت‌های اسلامی و سیاسی معاصر، تظاهرات به سبک ایرانی است که در برخی کشورهای اسلامی اتفاق می‌افتد؛ برای مثال مردم شهرهای عراق مانند نجف و کربلا، در تأیید انقلاب اسلامی ایران و به تبعیت از آن، در ۲۳ بهمن ۱۳۵۷، تظاهراتی شبیه به ایران برپا کردند. در پی آن، تظاهراتی به همین صورت در شهرهای مختلف عراق برپا شد. حتی در آغاز انتفاضه جدید مردم عراق، یعنی در سال ۱۳۷۰، آنها همانند تظاهرکنندگان ایرانی مخالف شاه در سال ۱۳۵۷، شهر حلبچه را به خمینی‌شهر

نام‌گذاری کردند و کنترل شهرها را به دست گرفتند. (بیکی، ۱۳۸۹: ۱۸۶) همچنین شعارنویسی به شیوه مبارزان انقلابی ایران، مورد توجه مسلمانان است. علاوه بر آن، اعلامیه‌ها، سخنرانی‌ها و پوسترها به شکل مشابه آنچه در ایران اتفاق افتاد، در کشورهای اسلامی چاپ و انتشار می‌یابد. (شیرودی، ۱۳۸۳: ۵۴)

با نگاهی به حرکت‌های انقلابی صورت گرفته پس از انقلاب در شهرهای عمدتاً مذهبی عراق می‌توان به برخی شباهت‌ها در نوع و شیوه مبارزه اشاره کرد که ادعاهای بیان شده در خصوص تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی در ایران را تأیید می‌نماید. در اینجا به برخی از این شباهت‌ها اشاره می‌شود:

۱. درخواست‌ها و مطالبات مشابه: در اثنای دستگیری آیت‌الله صدر در ژوئن ۱۹۷۹، گروه‌های کثیری از مردم به ترتیب از بغداد، بصره، ناصریه، کرکوک، دیوانیه، سماوه، دیاله و دیگر نقاط وارد نجف شدند (انتفاضه رجب) تا بیعت خود را با وی به عنوان مرجع تقلید اعلام کنند. بعد از آن آیت‌الله صدر فتوایی صادر کرد و مبارزه بر ضد حزب بعث را واجب شمرد. در آن مقطع این قبیل شعارها بر دیوار شهرها نقش بسته بود: «به نام صدر و خمینی، اسلام پیروز است»، «زنده باد صدر، اسلام پیروز است.» (ویلی، ۱۳۷۳: ۸۳)

همچنین در راهپیمایی‌هایی که در کربلا، کوفه و مدینه‌الثوره انجام گرفت، مردم شعارهایی نظیر «بله به اسلام، نه به عفلق و صدام» (کدیور، ۱۳۹۴: ۱۰۵) سر می‌دادند. با تظاهرات شیعیان و مردم در ماه محرم آنان تقاضای خود را مبنی بر اصلاحات اجتماعی و استقرار حکومت اسلامی در عراق مطرح کردند. (دکمجیان، ۱۳۷۷: ۱۹۷)

اساساً انقلاب اسلامی ایران، الگوی مناسبی را فراروی فعالان جنبش شیعی عراق قرار داده بود که آنان می‌توانستند مبارزات خود را با هدفی مشخص (یعنی استقرار حکومت اسلامی) سامان دهند.

۲. پخش شبنامه‌ها و اعلامیه‌ها: در این زمینه می‌توان به فعالیت جوانان نجف در خصوص توزیع جزوه‌ها و اعلامیه‌های منتشره از سوی حزب‌الدعوه و نیز گزارش‌هایی در مورد فعالیت‌های مخالفان شیعه در الثوره - بخش فقیرنشین شهر بغداد - اشاره نمود.

۳. انتخاب مسجد به عنوان پایگاه مبارزه: آغازین حرکت خودجوش مردم عراق به نخستین جمعه بعد از بازگشت امام خمینی؛ به تهران در بهمن سال ۱۳۵۷ برمی‌گردد، که مبداء این تظاهرات مسجد الحضره بود. (کدیور، همان)

۴-۱-۲. تاسیس احزاب جدید اسلام‌گرا و بازسازی احزاب اسلام‌گرای قبلی مبتنی بر آرمان‌های انقلاب اسلامی یکی دیگر از ثمرات انقلاب اسلامی در عراق دوران حزب بعث شکل‌گیری احزاب جدید اسلامی و یا تغییر رویه احزاب قدیمی اسلامی بر مبنای ارزش‌ها و اصول مطرح شده در انقلاب اسلامی ایران است. این احزاب با توجه به شرایط عراق و ساختار این جامعه ابتدا با قرار دادن اسلام و ارزش‌های شیعی به عنوان مرکز ثقل خود، مجموعه‌ای از اهداف را برای خود ترسیم نمودند که بتوان به وسیله آن اهداف، یک سیاست‌گذاری اسلامی را برای ساختن جامعه‌ای ایده‌آل و مطابق اصول اسلامی شکل داد. در اینجا به مهم‌ترین این احزاب اشاره می‌شود:

۱. مجلس اعلای اسلامی عراق

بعد از شهادت آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر، و با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ضرورت وجود رهبر و مرکزی برای جریان‌های سیاسی عراق به طور کامل احساس می‌شد. بنابر این برخی از دلایل پیدایش «مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق» را اینگونه بیان کرد:

الف) اوضاع سیاسی ویژه عراق در پی پیروزی انقلاب اسلامی ایران و جنگ صدام علیه ایران؛

ب) نیاز مردم به وجود رهبر در صحنه سیاسی عراق؛

ج) ضرورت سازماندهی فعالیت‌های گروه‌های اسلامی مخالف دولت عراق.

این مجلس در سال ۱۹۸۲ در پی رایزنی‌های فراوان نخبگان سیاسی عراق در تهران تأسیس شد. (ناظمیان، ۱۳۷۹: ۸۷) از مؤسسان «مجلس اعلای اسلامی عراق» می‌توان به احزاب و گروه‌هایی همچون «حزب الدعوة الاسلامیه»، «منظّمه العمل الاسلامی»، «حرکة المجاهدین العراقیین»، «حزب‌الله کردستان» به اضافه گروهی از «اخوان المسلمین» عراق، که پس از بحران کویت به مجلس پیوستند، اشاره نمود. (ناظمیان، ۱۳۷۹: ۸۸)

۲. حزب الدعوة الاسلامیه

حزب الدعوه به‌عنوان یک تشکل سیاسی شیعی در آن زمان حداقل بیست سال سابقه فعالیت داشت. وقوع انقلاب موجب احیا، تشدید و توسعه فعالیت این حزب شد و این امر برای رژیم عراق به‌طور جدی تهدیدکننده بود. (عطارزاده و خانی، ۱۳۹۱: ۱۱۹) بازوهای تشکیلاتی حزب الدعوه در سطح دانشگاه‌ها فعال شدند و مرحله کار سیاسی حزب آغاز شد. بعضی‌ها که از خطر تأثیر انقلاب ایران بر مردم عراق آگاه بودند و می‌دانستند حزب الدعوه می‌تواند عامل تشکیلاتی مهمی برای انتقال این تأثیر باشد، هجوم گسترده‌ای علیه این حزب آغاز و بسیاری از اعضای آن را دستگیر کردند. (حشمت‌زاده، ۱۳۸۸: ۸۴)

با تهاجم آمریکا و سقوط رژیم استبدادی صدام حسین در ۹ آوریل ۲۰۰۳ / ۲۰ فروردین ۱۳۸۲، فرصتی در اختیار «حزب الدعوه» قرار گرفت تا دیدگاه خود مبنی بر تشکیل حکومت اسلامی را، که بیش از ۴۰ سال آن را دنبال می‌کرد، به اجرا گذارد. بنابراین، رهبران و بسیاری از اعضای این حزب به کشور خود بازگشتند و به ایفای نقشی پیشرو در برآوردن «ولایت امت» برای عراق و نیز تلاش برای آشتی دادن عراقی‌ها به زندگی به‌رغم فجایع متحمل شده از طریق صدام حسین اقدام کردند. در آن تاریخ، ابراهیم جعفری به عنوان دبیر کل «حزب الدعوه» به نمایندگی از ستاد عالی رهبری حزب دخالت اشغالگران آمریکایی در شرایط آن روز عراق را پذیرفت، ولی بر ضرورت رهایی از تسلط آن‌ها نیز تأکید کرد. (لطیف، ۱۳۹۰: ۲۶۷) پس از تشکیل شورای حکومتی در ماه ژوئیه سال ۲۰۰۳ رهبر برجسته و دبیر کل حزب، یعنی دکتر ابراهیم جعفری برای اولین بار رئیس شورای حکومتی شد. در آوریل ۲۰۰۵، عراقی‌ها به ابراهیم جعفری نخست وزیر دموکراتیک انتخاب شده دولت موقت عراق رأی دادند. پس از وی، در مه ۲۰۰۶، نوری مالکی، یکی دیگر از رهبران ارشد حزب، به انتخاب مجلس عراق، به عنوان نخست وزیر به مدت ۲ دوره ۴ ساله از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۳ م انتخاب شد. همچنین پس از نخست وزیر نوری مالکی، پس از مدت‌ها کشمکش بر سر معرفی نخست وزیر، در نهایت، حیدر العبادی، که ریاست دفتر سیاسی و عضویت در شورای رهبری «حزب الدعوه» را در کارنامه خود داشت، در اوت ۲۰۱۴، به عنوان سومین نخست وزیر شیعی عراق، مأمور تشکیل دولت جدید شد.

وقوع انقلاب اسلامی واکنش‌هایی از سوی حکومت بعث به دنبال داشت که همانگونه که آمد موانع اثربخشی کامل انقلاب اسلامی در میان گروه‌های فعال مبارز و آحاد جامعه عراق نیز به شمار می‌آید. از آنجا که رژیم صدام، انقلاب ایران را تهدیدی جدی نسبت به امنیت و ثبات داخلی خویش تلقی می‌نمود، در قالب حرکات زیر سعی در انسداد مجاری آسیب‌پذیر داخلی در برابر این تهدید غیرمستقیم خارجی برآمد.

تغییر بافت قومی - مذهبی: دولت عراق به منظور کنترل فعالیت‌های اسلام‌گراها، اقدام به ایجاد تغییراتی در ترکیب مذهبی - قومی برخی مناطق نمود. اخراج شیعیان و کردها نیمی از این راهبرد بود. منابع ایرانی اذعان نموده‌اند که تا سال ۱۹۸۸، بیش از ۵۰۰ هزار پناهنده عراقی را پذیرفتند. سازمان بین‌المللی دفاع از حقوق بشر در عراق رقم عراقی‌های اخراج شده را ۶۵۰ هزار نفر تخمین زده است که حدود ۸ درصد جمعیت ۱۳ میلیونی عراق در سال ۱۹۸۰ را تشکیل می‌داد. (ویلی، ۱۳۷۳: ۱۵۸)

نیمی دیگر از راهبرد، جایگزین کردن سنی‌های عرب دیگر کشورها، بجای شیعیان عراق و کردها بود. این شیوه بیشتر از طریق واگذاری اراضی و زمین‌های آنها به مهاجران صورت می‌گرفت. در ۳۱ ژانویه ۱۹۹۰، شورای فرماندهی عراق طی حکمی اعلام کرد تمام اعرابی که در عراق هستند از کلیه امتیازات و حقوق متعلق به عراقی‌ها برخوردارند. این قانون هرچند ضمانت اجرا نداشت، ولی مهاجرت را ترغیب می‌نمود. (ویلی، ۱۳۷۳: ۱۵۹)

کنترل مالی شیعیان: رژیم بعثی با صدور بخشنامه‌هایی، جمع‌آوری، تخصیص و توزیع پول صندوق‌های مذهبی شیعیان و نظارت بر حرم‌های مقدس آنان را در شمار وظایف خویش خواند و بدین طریق استقلال تشکیلات مذهبی شیعیان از بین رفت. (سیف‌زاده، ۱۳۷۵: ۱۸۳)

اعطای مشاغل دولتی: جدا از تشکیل مجلس ملی، دولت عراق به منظور مهار جنبش شیعیان و ایجاد منافع مشترک با آنان، اقدام به جذب گروه‌هایی شیعی که از نظر حزب بعث مورد قبول بودند، نمود. (فولر، گراهام ای. و رندرحیم فرانکه، ۱۳۸۳: ۴۵) به تعبیر فب‌مار، با ورود شیعیان به درون ساختار بوروکراسی بعثی، به شدت از

توان انقلابی آنان کاسته شد. (همان) در این راستا، انتخاب سعدون حمادی شیعه به منصب نخست‌وزیری و انتخاب جانشین وی نیز از میان شیعیان قابل اشاره است.

بهبود وضعیت رفاهی شیعیان: حزب بعث در جهت از بین بردن زمینه‌های اجتماعی ناراضی‌های شیعیان، اقدام به اجرای طرح‌هایی برای صنعتی کردن مناطق شیعی جنوب و سرعت بخشیدن به تحولات نظام روستایی این مناطق نمود. همچنین سهم بیشتری از بودجه ملی را به شهرهای شیعه‌نشین از جمله شهرهای مقدس اختصاص داد. (ویلی، ۱۳۷۳: ۱۵۵-۱۶۳)

افزایش نظارت: از آنجا که رژیم عراق، انقلاب اسلامی را تهدیدی علیه ثبات سیاسی خود می‌دانست که احتمالاً منجر به الگوگیری شیعیان داخل عراق می‌شد، نظارت و کنترل بسیار شدیدی بر فعالیت‌های و تحرکات گروه‌های شیعی اعمال کرد.

عدم همکاری سایر فرقه‌ها و گروه‌ها با شیعیان: در حالی که شیعیان در فرایند مبارزه هزینه‌های سنگینی نظیر زندان، تبعید، اخراج و اعدام (از جمله شهادت سیدمحمد خویی، آیت‌الله شیخ مرتضی بروجردی و آیت‌الله شیخ علی غروی) پرداخت نمودند، گروه‌های دیگر نه تنها با آنها همراهی نکرد، بلکه برخی گروه‌ها نظیر سنی‌ها که در وضع موجود ذی‌نفع بودند، عملیات شبه‌نظامی و تروریستی علیه شیعیان انجام می‌دادند.

وجود گرایش‌ها و راهبران متعدد و رقابت بین آنها از جمله موانع مهم شیعیان به شمار می‌آید؛ به عنوان نمونه، آیت‌الله محمد بحرالعلوم که از رهبران شیعیان به شمار می‌آید، با کنگره ملی عراق و آمریکا همکاری نزدیک داشت، در حالی که حزب‌الدعوه از این کار خودداری کرد و آیت‌الله حکیم مرکز فعالیت‌های خود را در تهران مستقر نموده بود. (اخوان، ۱۳۷۳: ۱۳۷)

۶-۱-۲. تأثیر بر رشد فزاینده سیاسی شدن و نقش آفرینی سیاسی شیعیان

طبق آمار رسمی بیش از ۶۷ درصد جمعیت عراق را شیعیان تشکیل می‌دهند، اما با این وجود پس از استقلال عراق تا فروپاشی رژیم بعث این قشر همواره کمترین درصد مشارکت در امور سیاسی را داشته است. نگاهی به ترکیب مجلس و دولت عراق از ابتدای پیدایش نشان می‌دهد که شیعیان سهم چندانی از مناصب سیاسی

نداشته‌اند. برای مثال، در سال ۱۹۳۰ درحالی که کردها، هفده درصد از جمعیت عراق را تشکیل می‌دادند ۲۲ درصد از پست‌های بالا در هیئت دولت را به خود اختصاص داده بودند، این در حالی است که سهم شیعیان کمتر از پانزده درصد بوده است. تا سال ۱۹۴۷ و انتخابات دوره یازدهم مجلس، نسبت نمایندگان شیعه در مجالس این کشور بین ۲۵ تا ۳۵ درصد در نوسان بوده است. در دور سوم، از استان بغداد دو نفر یهودی و یک نفر مسیحی و ۹ نفر مسلمان که همگی سنی مذهب بودند انتخاب شدند، درحالی که یک نفر از شیعیان هم انتخاب نشد. بعد از آنکه مسلمانان سنی مذهب، کرسی‌های نمایندگی استان بصره را به خود اختصاص دادند، تعداد نمایندگان غیرمسلمان این استان از تعداد نمایندگان شیعه بیشتر شد؛ یعنی با وجودی که نود درصد اهالی بصره شیعه بودند فقط دارای یک نماینده در پارلمان بودند درحالی که یهودیان و مسیحیان دو نماینده داشتند. (العلوی، ۱۳۷۶: ۱۸۳) در دوره پنجم مجلس از استان شیعه نشین کوت حتی یک شیعه هم برای نمایندگی معرفی نشد؛ هر چهار نماینده این استان سنی مذهب و از اهالی بغداد بودند. همچنین در طول شانزده سال، از استانی چون دیاله که دو سوم اهالی آن شیعه هستند، هیچ شیعه‌ای به مجلس راه نیافت و بیش از دو سوم نمایندگان استان‌های العماره، دیوانیه و حله که مناطق شیعه‌نشین هستند، سنی مذهب بودند. تنها در دوره یازدهم در سال ۱۹۴۷ اندک تحولی ایجاد شد و اجازه داده شد که نسبت شیعیان در مجلس به ۴۰ درصد برسد. در بصره تعداد نمایندگان شیعه با تعداد نمایندگان سنی برابر شد، اما در مناطق دیگر تغییری ایجاد نشد. همچنین نگاهی به ترکیب هیئت دولت نشان می‌دهد که در مدت بیش از ۷۰ سال، یعنی از ۱۹۲۱ تا ۱۹۹۱ فقط پنج نفر از رجال شیعه برای مدتی کمتر از سه سال، یعنی به نسبت ۴.۴۸ (حدود چهار ونیم) درصد عهده‌دار پست نخست‌وزیری بوده‌اند. از میان ۵۹ دوره نخست‌وزیری در دوران رژیم سلطنتی، تنها پنج بار نخست‌وزیری به شیعیان سپرده شد، یعنی به نسبت ۸.۴۷ درصد. (همان، ۱۳۷۶: ۱۹۰)

پس از انقلاب اسلامی دولت صدام سیاست‌های متفاوتی را در قبال شیعیان به اجرا گذاشت، از سرکوب گرفته تا افزایش نقش آنان در دولت. در یک بررسی معلوم شده است که در فاصله ژوئن ۱۹۸۲ تا ژوئن ۱۹۸۷، ۳۳

درصد اعضای شورای فرماندهی انقلاب شیعه بودند. طی همین دوره، حدود ۵۰ درصد از اعضای فرماندهی منطقه‌ای حزب بعث، یعنی نسبتی که شمار نسبی شیعیان را در جمعیت کشور بیشتر نمایندگی می‌کرد، شیعه بودند. پس از آتش بس در جنگ ایران و عراق، به نظر می‌رسد تمایل به نمایندگی هرچه بیشتر شیعیان در میان نخبگان سیاسی ادامه یافته باشد. (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۱۰۴)

۲-۲. تاثیرات اجتماعی

۲-۲-۱. تحولات روحی - روانی

انقلاب اسلامی به مثابه موتور تحرک و بسیج توده‌ها و الگوی عملی جهت ایجاد یک نمونه سیستم حکومتی اسلامی معرفی شد. همچنین انقلاب اسلامی روحیه خودباوری را بین گروه‌های اسلامی و جامعه عراق تزریق نمود؛ چرا که تا پیش از انقلاب ایران، عمده شیعیان در وضعیت بغرنج اقتصادی و اجتماعی بوده و نشانه‌هایی از اراده برای اعتراض نیز مشاهده نمی‌شد، در حالی که بعد از پیروزی انقلاب، شرایط به گونه‌ای دیگر درآمد و شیعیان عراق اعتراض و تقاضاهای خود را به شکل تظاهرات و یا حمایت از گروه‌های مبارز اعلام نمودند. تحلیل اندیشه‌ها و افکار علمای عراق بیانگر یک تحول کیفی است. پیش از پرداختن به این موضوع یادآوری این نکته ضروری است جدای از ویژگی‌های خاص بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، تفاوت برجسته ایشان با سایر روشنفکران و رهبران دینی معاصر در این است که تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار جمهوری اسلامی، علمای مبارز در سایر دولت‌های شیعی، حداکثر به دنبال شراکت در حاکمیت بوده‌اند، در حالی که امام خمینی؛ برای اولین بار طرح قبضه تمام قدرت را مطرح نمود. این الگوی نوین، رهبران جنبش‌های شیعی در سایر کشورها را به شدت تحت تأثیر قرار داد که نخستین بازتاب‌های آن در عراق رؤیت گردید. (سیف‌زاده، ۱۳۷۵: ۸۰)

بدین ترتیب که عمل‌گرایی و مخالفت درون‌سیستمی قبل از انقلاب قشر روحانی شیعه عراق با روحیه انقلابی خواهان کسب تمام قدرت جایگزین شد. به عبارتی متأثر از انقلاب اسلامی، مبانی عمارت‌اندیشگی علمای شیعی عراق تغییر یافت. البته این موضوع دارای پیامدهایی بود که از آن جمله می‌توان به ناکامی شیعیان (برخلاف کردها) در جلب حمایت‌های بین‌المللی به منظور تشکیل حکومت خودمختار اشاره کرد. بیم از

بنیادگرایی و تأکید بر انقلابی‌گری امت اسلامی زمینه‌ساز این تصور نامطلوب در سطح جهانی بود. (سیف‌زاده،

۱۳۷۵: ۸۷)

۲-۲-۲. تحکیم هویت شیعی

شیعیان پس از یک دوره فترت و سستی، با ظهور انقلاب اسلامی از خواب غفلت بیدار شده و هویت تازه‌ای یافتند؛ چراکه پیروزی انقلاب ایران آنان را با الگوی عینی یک جنبش شیعی آشنا نمود. انقلاب اسلامی ایران که بر اساس آموزه‌های اسلام شیعی و مرجعیت شیعه و در کشوری شیعی رخ داده بود، منزلت آنان را در چشم جهانیان و سایر مذاهب ارتقا داد. پس از انقلاب، روحیه خودباوری و اعتمادبه‌نفس شیعیان که رو به خاموشی می‌رفت، تقویت شد و آنان جرئت و شجاعت خود را بازیافتند. (بهرام شاهی، ۱۳۸۷: ۱۶) به این ترتیب انقلاب ایران نقطه عطفی در احیای هویت دینی شیعیان و حتی در نگاهی کلی‌تر، هویت دینی مسلمانان پدید آورد و تشیع و اسلام را در قلب حوادث و اخبار جهانی قرار داد. (پارسانیا، ۱۳۷۶: ۳۷۷)

شیعیان عراق نیز از این قاعده مستثنا نبودند. اکثریت جمعیت کشور عراق و به‌طور عمده در جنوب، در شهرهایی همچون کربلا، نجف، سامرا و کاظمین را شیعیان تشکیل می‌دهند. تأثیر سریع و عمیق انقلاب ایران در میان شیعیان عراق، به‌گونه‌ای بود که شهید صدر در روز پیروزی انقلاب، با تعطیل نمودن جلسه درس روزانه خود، در جمع طلاب علوم دینی نجف گفتند:

امروز موسی بر فرعون پیروز شد... امروز آیت‌الله خمینی؛ حکومت شاه را سرنگون ساخت و اینک هم ما باید کارگزاران آن رهبر و منتظران دستورات وی باشیم. (ابوالحسن شیرازی و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۷)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران موجی از احساسات اسلامی و شیعی، مسلمانان و به خصوص شیعیان این کشور را فراگرفت و آنان را پس از سال‌ها فشار و سختی به رهایی از این شرایط سخت امیدوار ساخت. (جمعی از نویسندگان، بی تا: ۲۸۱) با پیروزی انقلاب در ایران، شیعیان عراق، که خود را گروهی محروم از قدرت اجتماعی و سیاسی تصور می‌کردند، امیدوار شدند و انگیزه‌ی حرکت در آنها ایجاد شد.

هر چند که پیشینه شیعیان در عراق نشان‌دهنده پایداری، استقامت و تلاش آنها برای گسترش و تقویت ارزش‌ها و پایگاه‌های اسلامی در این کشور است اما ادامه این مقاومت و تحمل سختی‌ها را می‌توان از تاثیرات بزرگ انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان و علمای این کشور تلقی کرد زیرا این مقاومت در شرایطی صورت می‌گرفت که با گذشته کاملاً متفاوت بود. با توجه به فشارهای حزب بعث و تلاش این حکومت برای منزوی کردن حوزه‌های علمیه و روحانیت شیعه و تهدید و حتی قتل بسیاری از بزرگان حوزه این فعالیت‌ها انجام می‌شد. (فولر، ۱۳۸۴:

(۲۱۳)

۳-۲-۲. گرایش شیعیان عراق به روحانیت در موضوعات اجتماعی و فرهنگی

با شکل‌گیری انقلاب اسلامی و زنده شدن امید شیعیان برای استقرار احکام اسلامی و شیعی در جهان اسلام، مردم عراق به دنبال خمینی این کشور بودند تا پشت سر او انقلاب دیگری را در منطقه رقم بزنند. ویژگی‌های امام را در اندیشمند بزرگی همچون صدر دیدند و امیدوار شدند به رهبری او می‌توانند حکومت اسلامی را در عراق ایجاد نمایند. آیت‌الله صدر نیز تعالیم و آموزش‌های خود را برای هدایت امواج انقلاب اسلامی، مستقیم و غیرمستقیم به ملت اعلام می‌کرد. (کدیور، ۱۳۹۴: ۱۰۵) این عالم مجاهد طی تلگرافی به امام خمینی؛ در ماه مارس ۱۹۷۹ م، حمایت خود را از نظام جمهوری اسلامی اعلام نمود:

درحالی‌که ما به موفقیت بیشتر امیدواریم، تمام سعی و تلاش خود را برای خدمت و کمک به پیروزی انقلاب پرشکوهتان به کار خواهیم گرفت تا در سایه مرجعیت شیعه و حکومت اسلامی قرار گیریم. (دادفر، ۱۳۸۴:

(۱۷۶)

در این تلگراف امام خمینی؛ با عنوان بالاترین مرتبه حوزوی یعنی آیت‌الله‌العظمی مورد خطاب قرار گرفته بود. شهید صدر پس از انقلاب ایران با امام خمینی؛ بیعت کرد. جمله مشهور وی خطاب به امام که: «در امام ذوب شوید، چنان‌که او در اسلام ذوب شده است»، موضع‌گیری شهید صدر را در مورد انقلاب ایران بیش از هر

چیزی نمایان می‌کند. (خرمشاد و نادری، ۱۳۹۰: ۱۸۹)

آیت‌الله صدر با صدور فتوایی مسلمانان را از عضویت در حزب بعث برحذر داشت. در فتوای دیگری مردم را به فداکاری در جهت نابودی رژیم بعث ترغیب کرد. با شکسته شدن مرزهای ترس و وحشت، تظاهرات توده‌ای مردم ابعاد گسترده‌تری به خود می‌گرفت. مردم در بخشهای الثوره، کاظمین، بغداد، دیاله و دیگر نقاط جنوب عراق دست به تظاهرات گسترده‌ای زدند. صدر مردم را به ادامه تظاهرات تشویق کرد. (همان)

روز بعد بنت‌الهدی صدر رهبری زنان را در راهپیمایی به سمت بارگاه حضرت علی^۷ در نجف برعهده داشت. این امر به برخورد شدید با نیروهای امنیتی منجر شد و طی این زد و خوردها، دهها هزار نفر دستگیر شدند. در این زمان، دولت عراق تصمیم به بازداشت آیت‌الله صدر گرفت. پس از دستگیری، بار دیگر وی از امام خمینی؛ به عنوان «چراغ خانه اسلام و به عنوان هادی مذهب یگانه‌پرستی یاد کرد.» (همان)

در همین راستا باید اشاره کرد که شاید یکی از مهم‌ترین اثرات انقلاب اسلامی ایران این بوده است که رهبری مذهبی و روحانی را برای هدایت امت و نهضت اسلامی ارائه نموده است. (نجفی، ۱۳۸۶: ۱۳۸) در واقع، آیت‌الله صدر در عراق نقشی را برعهده گرفت که امام خمینی؛ در ایران عهده‌دار آن بود. با فتوای تحریم عضویت در حزب بعث توسط آیت‌الله صدر که رهبری شیعیان عراق را برعهده گرفته بود، به نظر می‌رسید شیعیان عراق بیش از هر کشور دیگری مشتاق الگوبرداری از انقلاب ایران هستند. (بی‌نام، ۱۳۸۷: ۱۰)

همانگونه که در پیش گفته شد آیت‌الله صدر علاوه بر رهبری شیعیان عراق بر علیه رژیم بعث، انقلاب اسلامی ایران را با مباحث علمی که در خصوص حکومت اسلامی مطرح می‌کرد، پشتیبانی نمود. در این خصوص وی با تألیف سلسله کتاب‌های الاسلام یقود الحیاء به ارائه بحث‌هایی نظیر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، منابع قدرت دولت اسلامی و اقتصاد جامعه اسلامی، مبادرت کردند. تا جایی که شهید صدر یکی از شاگردان خود را به ایران گسیل کرد تا حلقه واسط میان او و رهبری انقلاب اسلامی ایران باشد. (عطارزاده و خانی، ۱۳۹۱: ۱۲۱) برزان ابراهیم، برادر ناتنی صدام و رئیس سازمان امنیت کشور، در زندان از آیت‌الله صدر خواست که فقط چند کلمه بر ضد امام خمینی؛ و انقلاب اسلامی بنویسد تا آزاد شود. اما شهید صدر این خواسته را رد

کرد و گفت: «من آماده شهادتم، هرگز خواسته‌های غیرانسانی و ضد دینی شما را قبول نخواهم کرد و راه من همان است که انتخاب کردم!...» (جعفری و نیکروش رستمی، ۱۳۹۵: ۹۴)

۴-۲-۲. ایجاد وحدت و دوری از اختلاف و تفرقه

برای سرنگون کردن یک نظام حاکم نیاز به بسیج فراگیر توده است که با مشارکت وسیع مردم در جنبش انقلابی امکان‌پذیر است. در مقایسه با سایر انقلابات، در انقلاب اسلامی مشارکت مردمی بسیار گسترده‌تر و فراگیرتر بوده است، به طوری که از تمام طبقات و اقشار اجتماعی در آن حضور داشتند. گاهی تظاهرات چندمیلیونی در شهرهای بزرگ در سراسر کشور برپا می‌شد که نمونه آن در کمتر انقلابی دیده شده است. (پناهی، ۱۳۸۵: ۶۶) در واقع، مردمی بودن که یکی از ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران است، در جنبش‌های سیاسی اسلامی راه یافته است. این جنبش‌ها دریافته‌اند که اسلام توانایی بسیج توده‌های مردم را دارد. بر این اساس، آنها از اتکا به قشر روشنفکر به سوی اتکا به مردم گرایش یافته‌اند، و در نتیجه پایگاه مردمی خود را گسترش داده‌اند. به هر روی، پس از انقلاب اسلامی، جنبش‌ها مبارزات خود را به صورت مردمی پی می‌گیرند. به عقیده دکتر حسن الترابی رهبر جبهه اسلامی سودان، انقلاب اسلامی اندیشه کار مردمی و استفاده از توده‌های مردم را به عنوان هدیه‌ای گران‌بها، به تجارب دعوت اسلامی در جهان اسلام عطا کرد. گرایش به اندیشه کار مردمی، جنبش‌های اسلامی را به سوی وحدت‌طلبی مذهبی و قومی سوق داد. به عنوان مثال، یکی از مواد بیانیه شش ماده‌ای مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق، بر وحدت اسلامی تکیه دارد. در مجموع، این امر، جنبش‌های اسلامی سیاسی را از اختلاف و تفرقه دور ساخته و آنها را از تشکیلات قوی‌تر، امکانات وسیع‌تر، حمایت گسترده‌تر و پایداری بیشتر برخوردار ساخت. (شیرودی، ۱۳۸۳: ۵۲)

۵-۲-۲. گرایش به جهاد و شهادت

قیام علیه یک رژیم سیاسی نیرومند و مسلح، بدون فداکاری و از جان گذشتگی مردم انقلابی امکان ندارد؛ و برای فداکاری و جانبازی جهت سرنگون کردن یک رژیم، اعتقاد به ارزش‌ها و اهدافی که والاتر از جان انسان‌ها باشد، ضروری است. جهاد و شهادت در ایدئولوژی اسلامی مفاهیمی ارزشی هستند که مسلمانان، مخصوصاً

پیروان مذهب تشیع، برای آنها اهمیت بسیاری قائل‌اند و می‌تواند زمینه‌ساز فداکاری و ازجان‌گذشتگی لازم در فرایند انقلاب اسلامی باشد. جهاد و شهادت در فرهنگ شیعی ارتباط نزدیکی با قیام امام حسین ^۷ دارد، که در مربوط کردن انقلاب و فعالیت‌های انقلابی و اهداف و نتایج آن با قیام امام حسین ^۷ کاملاً آشکار است. فرایند انقلاب، از واقعه قیام امام حسین ^۷ و نحوه برپایی سالانه آن در ایران تأثیر فراوان پذیرفته است. با استفاده از فرهنگ و اسطوره‌های شیعی مربوط به قیام امام حسین ^۷، صحنه انقلاب اسلامی و شخصیت‌های اساسی درگیر در آن به نحوی نمادپردازی و جان‌شین‌سازی شده‌اند، که گویی صحنه کربلا در ایران به نمایش درآمده است. جنبش‌های اسلامی پس از انقلاب اسلامی ایران، جهاد، شهادت و ایثار جان را به‌عنوان اصول اساسی پذیرفته‌اند. به‌بیان دیگر، اصولی چون جهاد، شهادت و فداکاری که سمبل حرکت‌های انقلابی شیعیان و شعار انقلاب اسلامی بود، به‌عنوان اصول اساسی مبارزه پذیرفته شد، و به آن، با دیده تکلیف و فریضه دینی نگریسته شد. (پناهی، ۱۳۸۵: ۶۶)

با خودآگاهی عمیقی که میان شیعیان عراق بعد از انقلاب ایران به وجود آمده بود، سختگیری‌های رژیم علیه شیعیان نیز بیشتر شد؛ به‌طوری‌که، از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۵، رژیم دست‌کم ۴۱ روحانی را اعدام کرد که از آن جمله می‌توان به اعدام محمدباقر صدر و خواهرش بنت‌الهدی در ۱۹۸۰ اشاره کرد. در واقع حزب بعث از طریق سرکوب مخالفان داخلی، هدفی جز جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی را مدنظر نداشت. در این خصوص در بیانیه «منظمه العمل الاسلامی» در عراق آمده است: «تنها جرم آنها اعتقاد به ایدئولوژی اسلامی و طرفداری از انقلاب اسلامی ایران بود». (عطارزاده و خانی، ۱۳۹۱: ۱۲۸)

۶-۲-۲. افزایش اقبال عمومی به مراکز مذهبی

وجود اماکن مهم مذهبی در عراق و موقعیت جغرافیایی خاص این کشور زمینه رشد و توسعه شهرهای مذهبی را فراهم آورده است، اما با کمال شگفتی این شهرها در طی سده اخیر و پیش از سقوط حزب بعث، نه تنها با توسعه مواجه نبوده‌اند، بلکه گاهی تا آستانه متروکه شدن نیز پیش رفته و جمعیت فراوانی از ساکنان این قبیل شهرهای شیعه‌نشین به شهرهای بزرگ مهاجرت کرده‌اند. شهرهای العماره، کربلا، کوت و ناصریه

مهم ترین شهرهایی بودند که بیشترین آمار مهاجرت را در طی سال‌های سلطنت و بعد از آن به خود اختصاص داده بودند.

بر اساس گزارش منتشرشده وزارت کشور عراق در خصوص سرشماری سال ۱۹۵۷، تعداد افرادی که در بغداد زندگی می‌کردند، اما در شهرهایی بجز بغداد به دنیا آمده بودند، ۳۷۸.۹۹۶ نفر بودند. در واقع این افراد ۲۹ درصد از ساکنان بغداد را تشکیل می‌دادند. رقم و نسبت این افراد برای بصره به ترتیب ۸۸.۸۱۹ نفر و هجده درصد ساکنان آن بود. از مجموع ۳۷۸.۹۹۶ غیر بغدادی ساکن در این شهر ۱۱۴.۷۰۸ نفر یا سی درصد آن‌ها از شهر العماره و ۴۱.۳۴۰ نفر یا ده درصد از کوت به بغداد مهاجرت کرده بودند. همچنین از ۸۸.۸۱۹ نفر مهاجران به بصره ۴۸ درصد آن‌ها از العماره و ۲۱ درصد از المنتفق بودند. به طور آشکارا شهرهایی که جمعیت آن‌ها به دلیل مهاجرت ساکنانشان به بندرها و شهرهای بزرگ عراق کم شده بود، شهرهای شیعه-نشین واقع در جنوب عراق بودند که وضعیت مناسبی نداشتند. (عطارزاده و خانی، ۱۳۹۱: ۱۲۸)

عامل دیگری که در تشدید روند مهاجرت شیعیان از مناطق جنوبی نقش مهمی داشت، تمرکز حکومت در بغداد و توجه حکومت به این شهر پس از استقلال عراق بود. با تبدیل شدن بغداد به عنوان مرکز قدرت، به تدریج از اهمیت و اعتبار شهرهای مذهبی چون نجف و کربلا کاسته شد. شیعیان جنوب به امید بهبود وضع زندگی خود و استفاده از فرصت‌های سیاسی - اجتماعی و اقتصادی موجود در پایتخت به تدریج راهی این شهر شدند. (همان) درحالی که بغداد تحت تأثیر فرصت‌های جدید ایجادشده روزبه روز در حال توسعه بود، شهرهای مذهبی نجف و کربلا تنها با تکیه بر درآمدهای حاصله از پرداخت وجوهات، نذورات، ورود زائران و دفن اجساد ادامه حیات می‌دادند. مهاجرت شیعیان از جنوب عراق، به کاهش محسوس جمعیت شهرهای مقدس نجف و کربلا در مقایسه با بغداد منجر شد. این امر را از آمارهای مربوط به رشد جمعیت، به خوبی می‌توان درک کرد. درحالی که در فاصله سال‌های ۱۹۳۵ تا ۱۹۴۷ میزان رشد جمعیت در نواحی شمال و مرکز عراق به ترتیب ۳.۷ و ۲.۲ درصد در سال ثبت شده است؛ این میزان در نواحی جنوبی ۱.۱ درصد در سال گزارش شده و بیشتر شهرهای جنوبی رشد منفی جمعیت را نشان می‌دهند. جمعیت نجف که در سال

۱۹۱۸ در حدود ۴۵۰۰۰ نفر ثبت شده، تنها به ۵۷۹۴۷ نفر در سال ۱۹۴۷ و در سال ۱۹۵۷ به ۹۱۱۶۵ نفر افزایش یافته است. همچنین جمعیت کربلا که در سال ۱۹۰۸ در حدود ۵۰۰۰۰ نفر تخمین زده شده بود، در سال‌های بعد و عمدتاً در نتیجه کاهش موالید، افزایش مرگ و میر به واسطه بیماری‌ها، کمبود امکانات بهداشتی و پدیده مهاجرت به طور آشکاری کاهش یافت به گونه‌ای که حتی ترس از تخلیه و ویرانی شهر را تهدید می‌کرد. آمارگیری‌های سال‌های ۱۹۴۷ و ۱۹۵۷ جمعیت شهر را به ترتیب ۴۴۱۵۰ و ۶۰۲۹۴ نفر نشان می‌دهد. (دادفر، ۱۳۸۹: ۱۰)

اما علاوه بر موارد فوق، سیاست‌های حزب بعث در مورد گروه‌های شیعی مبارز، نقش مهمی در مهاجرت شیعیان از جنوب عراق داشت، برای مثال، این حزب در سال ۱۹۹۲ برای از بین بردن پناهگاه سربازان فراری و نیروهای مخالف، اقدام به خشک کردن و نابودی هورها و باتلاق‌های جنوب عراق کرد، این در حالی بود که شیعیان زیادی در این هورها از طریق کشاورزی و ماهی‌گیری امرار معاش می‌کردند. در نتیجه این اقدام، نزدیک به پانصد هزار شیعه ساکن در مرداب‌ها ناگزیر به مهاجرت به بخش‌های دیگر عراق و حتی ایران شدند. اما با وجود این محدودیت‌ها و ظلم‌های صورت‌گرفته از جانب حاکمان حزب بعث و حاکمان قبل از آنها در قبال شیعیان و مسلمانان عراق، گرایش این گروه‌ها پس از انقلاب اسلامی به اماکن مذهبی روز به روز در حال افزایش بوده است. هر چند جنگ تحمیلی صدام علیه ایران این روند تاثیرگذاری را با وقفه مواجه نمود اما احترام و حرمتی که ایران در طول جنگ برای این اماکن مقدس قائل بود را می‌توان از جمله دلایل گرایش مردم به این مناطق عنوان نمود.

اوج این تاثیرپذیری زمانی خود را نشان می‌دهد که رنجیرهای ظلم و جور رژیم صدام گسسته شده و مردم خود را از زندان حکومت بعث رها شده می‌بینند. اینجاست که شهرهای مذهبی عراق علی‌رغم مشکلات امنیتی بوجود آمده با سیل استقبال عمومی مردم عراق مواجه شده و کنگره بزرگ اربعین و ... در مناسبت‌های مختلف شکل می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

از آنجا که یک تحقیق فقط به روشن شدن جنبه‌هایی از واقعیت کمک می‌کند و از توصیف کل آن عاجز است و نیز با عنایت به اینکه روشن شدن یک مسأله بعضاً سؤالات و مسایل متعدد و متنوع دیگری را پدید می‌آورد که پاسخ گفتن به آنها مستلزم تحقیق و پیمایش جدید است، در این بخش نتایج حاصل از پژوهش با توجه به مباحث مطرح شده و بر اساس مسأله اصلی مقاله در دو حوزه سیاسی و اجتماعی ارائه می‌گردد:

تاثیرات سیاسی:

- پذیرش نظام ولایت فقیه
- توجه به اسلام سیاسی در میان مسلمانان عراق
- استفاده از تاکتیک‌های مبارزاتی انقلابیون ایران در فرایند مبارزه با حکومت بعث
- تاسیس احزاب جدید اسلام‌گرا و بازسازی احزاب اسلام‌گرای قبلی مبتنی بر آرمان‌های انقلاب اسلامی
- تغییر در رفتار دولت عراق
- تأثیر بر رشد فزاینده سیاسی شدن و نقش‌آفرینی سیاسی شیعیان

تاثیرات اجتماعی:

- تحولات روحی - روانی
- تحکیم هویت شیعی
- گرایش شیعیان عراق به روحانیت در موضوعات اجتماعی و فرهنگی
- ایجاد وحدت و دوری از اختلاف و تفرقه
- گرایش به جهاد و شهادت
- افزایش اقبال عمومی به مراکز مذهبی

منابع:

کتاب

- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله و کامران طارمی. (۱۳۸۴). نقش گروه‌های معارض در روابط ایران و عراق، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- حسینی حائری، سید کاظم. (۱۳۷۵). زندگی و افکار شهید صدر، ترجمه و پاورقی حسن طارمی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حشمت‌زاده، محمدباقر. (۱۳۸۸). تاثیر انقلاب اسلامی بر کشورهای اسلامی، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- خرمشاد، محمدباقر. (۱۳۹۳). بازتاب‌های انقلاب اسلامی ایران، تهران، سمت.
- دکمجیان، هرایر. (۱۳۷۷). اسلام در انقلاب: جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب، ترجمه حمید احمدی، تهران، انتشارات کیهان.
- سیف‌زاده، حسین. (۱۳۷۹). عراق، ساختارها و فرآیند گرایش‌های سیاسی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- شیخ‌عطار، علیرضا. (۱۳۷۱). ریشه‌های رفتار سیاسی در آسیای مرکز و قفقاز، تهران، وزارت امور خارجه.
- کدیور، جمیله، مصر از زاویه‌ای دیگر، تهران، امید ایرانیان، ۱۳۹۴.
- ، رویاریابی انقلاب اسلامی ایران و آمریکا، تهران؛ نشر اطلاعات، ۱۳۷۹.
- گراهام، فولر، قبله عالم، ترجمه عباس مخبر، تهران نشر مرکز، ۱۳۷۷.
- لطیف، حسن، دایرةالمعارف احزاب در عراق، ترجمه سیدعدنان محقق، تهران، دانشگاه امام صادق ۷، ۱۳۹۰.
- ویلی، جویس ان. (۱۳۷۳). نهیض اسلامی شیعیان عراق، ترجمه مهوش غلامی، تهران، نشر حمد.

مقالات

- اخوان زنجانی، داریوش. (۱۳۷۳). "تحلیلی پیرامون ساختار سیاسی عراق"، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، بی‌نام. (۱۳۸۷). "نقش انقلاب اسلامی ایران در بیداری جهان اسلام"، پگاه حوزه.
- بهرام شاهی، مهدی. (۱۳۸۷). "تأثیر انقلاب اسلامی بر جنبش‌های شیعی عربستان و کشورهای حوزه خلیج فارس"، پگاه حوزه.
- پناهی، محمدحسین. (۱۳۸۵). "ارزش‌های جهاد و شهادت در شعارهای انقلاب اسلامی"، علوم اجتماعی.
- جعفری، علی‌اکبر و ملیحه نیکروش. (۱۳۹۴). "منابع فرهنگی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عراق نوین"، دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، ش ۱۲.
- جعفری، علی‌اکبر و ملیحه نیکروش رستمی. (۱۳۹۵). "بازتاب و الگوهای صدور انقلاب اسلامی در کشورهای منطقه غرب آسیا؛ مطالعه موردی کشور عراق"، مطالعات انقلاب اسلامی.

خرمشاد، محمدباقر و احمد نادری. (۱۳۹۰). "قش حزب الدعوة الاسلاميه در گفتمان مقاومت جنبش شيعی عراق"، شيعه‌شناسی.
دادفر، سجاد. (۱۳۸۹). "تحول و دگرديسی در نماي جامعه شناختی شيعيان عراق در قرن بيستم"، فصلنامه شيعه‌شناسی، ش ۳۲.
شیرودی، مرتضی. (۱۳۸۳). «انقلاب اسلامی ایران و جنبش های جهان اسلام»، فصلنامه رواق اندیشه، ش ۳۰.
عطارزاده، مجتبی و اعظم خانی. (۱۳۹۲). "فرصت‌ها و چالش‌های شکل‌گیری حکومت اسلامی در عراق پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران"، دو فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، ش ۲.
فولر، گراهام ای. و رندرحیم فرانکه. (۱۳۸۳). "شيعيان عراق"، فصلنامه شيعه‌شناسی، ترجمه خدیجه تبریزی، ش ۶.
هوبر، احمد. (۱۳۷۰). "دستاوردهای انقلاب اسلامی در جهان امروز"، مجله حضور، ش ۱۱.
نجفی، فیروز. (۱۳۸۶). "تأثیر انقلاب اسلامی بر جنبش شيعيان عراق"، پژوهش نامه تاریخ، ش ۱۰.

Abstract

Despite the fact that many revolutions have taken place in the world, the Islamic Revolution of Iran is unique due to the religious spirit and oppression and protection of the deprived of society, and in particular the struggle against evil forces.

The main aim of this paper is to examine the most important and influential social-political of islamic revolution of iran impacts on Iraq in Ba'ath athority. namely from the Establishment to the Saddam era. these political and social currents, constitute the majority in the country and have had the greatest impact on relations between Iraq and Iran .

The main question now is this: what are the social and political groups that the greatest impacts from islamic revolution in Ba'ath era and what are these impacts? Which of these trends will have the greatest impact on relations between Iran and Iraq and in order to align Iraqi shiiti and other groups or activists?

The findings of this research show that the islamic revolution of iran effect positive impacts on iraq in different levels. some of these impacts are: tendency to the

political system based on Velayate Faqih, attention of islamic and revolutionary groups to the political islam, Establishment of new islamic parties, Consolidation of the true islamic identity and...

Keywords: Islamic Revolution, Velayate Faqih, Ba'ath athority, iraq, impacts, the social and political groups.